

عنوان

روابط خارجی ایران و انگلیس در دولت خاتمی و احمدی‌نژاد

نویسندگان:

محمدجواد حق‌شناس^۱اژدر پیری سارمانلو^۲

چکیده

روابط خارجی ایران و انگلیس در طول گذر تاریخ دچار فراز و نشیب‌های فراوانی شده است. در دوران موسوم به اصلاحات و با روی کار آمدن آقای خاتمی، مبنای سیاست خارجی ایران اصول توسعه‌گرایی (گفتگوی تمدن‌ها)، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، صلح‌گرایی و چندجانبه‌گرایی تعریف شده است. اساس سیاست گفتگوی تمدن‌ها بر مشارکت همه کشورها، ملت‌ها و فرهنگ‌ها و تغییر شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل می‌باشد. ایران قبل از سرکار آمدن دولت اصلاحات به‌خاطر برخی مسائل رخ داده با انگلیس روابط دیپلماتیک خود را قطع کرده و این روابط را در سطح کاردار حفظ کرده بود، ولی با آمدن خاتمی نه‌تنها روابط فی‌مابین ایران با انگلیس، بلکه روابط با بیشتر کشورهای تأثیرگذار روبه‌بهبودی نهاد. همچنین با روی کار آمدن دولت اصولگرا فصل تازه‌ای در سیاست خارجی ایران به وقوع پیوست. آقای احمدی‌نژاد در یکی از سخنرانی‌های خود کشورهای جهان را به صلح و عدالت فرا خواند. وی دولت خود را دولت مهرورزی یا دولت مهر می‌نامید. در دوران اصولگرا روابط ایران و انگلیس روبه‌تیرگی نهاد. این تیرگی روابط با مطرح شدن مسئله هسته‌ای ایران و تصویب قطعنامه‌ها در شورای امنیت و همچنین اعمال تحریم‌های اقتصادی و بانکی با حمایت کشورهای غربی هر چه بیشتر روبه‌وخامت گذاشت. دلایل تیرگی روابط از جانب ایران نیز پیگیری مسائلی همچون هولوکاست، از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای به‌ویژه غنی‌سازی اورانیوم و در پی دخالت کشور انگلیس در وقایع سال ۸۸ عده‌ای معترض به سفارت بریتانیا در تهران حمله کرده و آنرا اشغال نمودند، که این مسائل نیز به ابعاد مختلف اختلافات فی‌مابین دو کشور دامن می‌زد.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، ایران، روابط دیپلماتیک، سفارتخانه، انگلیس، دولت اصلاحات، توافقنامه، دولت اصولگرا.

مقدمه

سابقه اولین تماس‌های دیپلماتیک میان ایران و انگلیس به حدود ۴۰۰ سال پیش (یعنی دوران صفویه) بازمی‌گردد. این رابطه از همان زمان با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است. تا اواخر دوره صفویه و اوایل دوره زندیه، این روابط بیشتر حول مسائل تجاری می‌چرخید، ولی از این زمان، با قدرت‌گیری و تثبیت تدریجی انگلیس در خلیج فارس و هند، این کشور تبدیل به یکی از وزنه‌های تأثیرگذار در سیاست ایران شد. روابط دیپلماتیک انگلیس و ایران همیشه حالتی خاص داشت، برای نمونه، در حالی که انگلیسی‌ها در ایران فعال بودند و نظر سفیر آن‌ها برای صدر و ذیل مملکت حیاتی تلقی می‌شد، ایران در لندن حتی سفارتخانه هم نداشت. تا اینکه در دوره امیرکبیر، ایران توانست در لندن سفارتخانه ایجاد کند و به آنجا سفیر بفرستد. تا پیش از آن، ایران جهت بیان مواضعش یا اطلاع از مواضع انگلیس (و برخی اوقات جهت کسب تکلیف) مجبور بود یا به سفیر انگلیس در تهران رجوع کند (که این امر به مرور باعث بالاتر رفتن شأن سفیر انگلیس از شأن یک سفیر می‌شد) یا نماینده‌ای به صورت موقت و برای انجام همان مأموریت خاص به لندن بفرستد. روابط ایران و انگلیس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد تنگناهای منحصربه‌فردی بوده که دلیل عمده آن عدم پذیرش واقعیات جدید بعد از انقلاب توسط انگلیسی‌ها و عناد ایشان با نظام جمهوری اسلامی بوده است. اولین بحران در روابط ایران و انگلستان چند روز بعد از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویانی که خود را پیرو خط امام می‌دانستند، پدید آمد. در این زمان بود که تعدادی دیگر از دانشجویان مزبور، به سفارت انگلستان حمله کرده بودند که با مداخله پلیس موفق به ورود به سفارت نشدند. مدت کوتاهی بعد از این واقعه بود که بریتانیا تصمیم به خروج کارمندان خود از تهران گرفت و سفارت سوئد را حافظ منافع خود در ایران اعلام کرد. دومین بحران جدی در روابط دو جانبه مربوط به اشغال سفارت ایران در لندن بود که منجر به کشته‌شدن دو تن از کارمندان سفارت شد و دولت ایران، پلیس بریتانیا را به موجب کوتاهی در برخورد با مهاجمان که منجر به اشغال ۶ روزه سفارت و قتل کارمندان ایرانی آن بود، مقصر دانست. همچنین از مهم‌ترین موضوعات این دوره می‌توان به برنامه‌های دولت وقت انگلیس برای حمایت از عراق در جریان جنگ عراق علیه ایران اشاره نمود. برخی از اسناد منتشره در داخل بریتانیا موید این مهم می‌باشد که از جمله می‌توان به اظهارات بن‌والیس عضو حزب محافظه‌کار انگلیس در این ارتباط یا افشاگری‌های حزب SNP اشاره نمود. از جمله موارد دیگر تأثیرگذار در این دوره در روابط دو کشور ماجرای سلمان رشدی است، در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ میلادی، آیت‌الله خمینی فتوایی برای قتل سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی و ناشر آثارش صادر کرد. دولت بریتانیا بار دیگر، تمامی کارکنان بریتانیایی را از ایران خارج نمود و سفارت به حالت نیمه تعطیل درآمد. ایران نیز در ۷ فوریه همان سال روابط خود را به حالت تعلیق درآورد. نکته مهم در تحلیل روابط ایران و انگلستان بعد از انقلاب اسلامی دیدگاه تقابلی این کشور در ارتباط با ایران می‌باشد. از آنجایی که ظهور جمهوری اسلامی ایران در منطقه و سطح بین‌الملل مبتنی بر منافع بریتانیا نبود و ایران از ظرفیت تأثیرگذاری بر زیاده‌خواهی‌های انگلستان در منطقه برخوردار بوده است، این کشور همواره اهتمام خود را برای تضعیف کشورمان یا تشدید فشار بر

^۱. دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

ایران به کار بسته است و این رویه خصوصت‌آمیز همچنان ادامه دارد. در مقاله حاضر به روابط خارجی و دیپلماسی رد و بدل شده میان دو کشور ایران و انگلیس در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد از ایران و در همان دوره در انگلیس؛ تونی بلر، گردون براون و دیوید کمرون خواهیم پرداخت. فرضیه‌ای که در این میان می‌توان مطرح کرد بر این مبنا قرار دارد که سایه سنگین بی‌اعتمادی متأثر از پیشینه منفی و استعمارگرایانه انگلیسی‌ها در اذهان عمومی و مسئولان ایرانی و موضع‌گیری انگلیس علیه منافع ملی ایران، همچنان موجب سردی روابط دیپلماتیک و سیاسی و گاه قطع کامل اینگونه روابط می‌شود.

دولت اصلاحات

با روی کار آمدن آقای خاتمی نگرش جدیدی بر فضای کشور حاکم شد رویکرد کلی و تفکر حاکم بر این دولت، توسعه سیاسی و فرهنگی بود و بر این باور استوار بود که لازمه دستیابی به توسعه، فراهم شدن توسعه سیاسی و ارتقا فرهنگ آن در کشور است. بر این اساس، دولت آقای خاتمی با شعار محوری توسعه سیاسی و اصلاحات پا به عرصه اجرایی کشور گذارد. و همین رویکرد بر عملکرد این دولت در بخش‌های مختلف سایه افکند. با روی کار آمدن دولت خاتمی، روند تنش زدایی در سیاست خارجی کشور که در دوران سازندگی آغاز شده بود، سرعت بیشتری گرفت. دولت اصلاحات با تکیه بر توسعه سیاسی در داخل و به کارگیری مفاهیمی چون تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها در خارج، چهره سیاسی جدیدی از ایران را نزد افکار عمومی جهان ارائه کرد و تلاش نمود تا در این مسیر گام بردارد. هر چند طرح نظریه گفتگوی تمدن‌ها چهره صلح طلبانه‌ای از ایران را در معرض دید جهانیان قرار داد و سال ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها نامیده شد اما در عین حال وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و به دنبال آن حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق نشان داد که گفتگوی تمدن‌ها امری آرمانی است و یا دست کم در شرایط و فضای حاکم بر جهان نمی‌توان توفقیات سریع آن را امیدوار بود. طرح مسأله مذاکره با آمریکا و کاهش تنش میان دو کشور چه در داخل و چه در خارج در این دوره به صورت جدی مطرح شد که البته با توجه به اصرار آمریکا بر سیاست‌های خصمانه بر علیه ایران، زمزمه‌های برخی جریان‌های سیاسی داخلی در این زمینه، راهی بجایی نبرد. مسأله دیگر در سیاست خارجی کشور مسأله پرونده هسته‌ای کشور بود که تحت تأثیر نگرش تنش‌زدایی حاکم بر این دولت به سمت تعامل و اعتماد سازی پیش رفت که هر چند اصل مسأله تعامل و اعتماد سازی مسأله‌ای در این برهه لازم بود، اما در عمل به دلیل زیاده‌خواهی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به نتیجه مناسبی نینجامید.

۱. روابط دیپلماتیک

در سال ۱۳۷۶ با شروع دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی، زمینه حل و فصل دیپلماتیک مسئله سلمان رشدی به‌عنوان یکی از موانع و چالش‌های گسترش روابط ایران و اروپا در شهریور ماه ۱۳۷۷ فراهم گردید. خاتمی در حاشیه پنجاه و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۷ در نیویورک با اشاره به ماهیت فقهی فتوای آیت‌الله خمینی، مسئله سلمان رشدی را کاملاً پایان یافته اعلام کرد. مذاکرات و ابتکارات شخصی میان خرازی، وزیر خارجه ایران و رابین کوک، وزیر خارجه بریتانیا روابط دو کشور از سطح کاردار به سطح سفیر ارتقاء یافت و از شهریور ۱۳۷۸ دو کشور توانستند سفرای خود را مبادله کنند.

الف) دیپلماسی هسته‌ای

در سال ۱۳۸۲، فعالیت‌های هسته‌ای ایران مورد توجه ویژه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت. ابتدائاً سازمان انرژی اتمی از سوی ایران مأمور مذاکره با آژانس بود. کارشناسان سازمان انرژی اتمی که تا شهریور ۱۳۸۲ مسئول پرونده بودند، معتقد بودند که مسئله هسته‌ای پرونده‌ای عادی است که به‌زودی حل خواهد شد. پس از تصویب قطعنامه شدیدالحن شورای حکام علیه ایران در سپتامبر ۲۰۰۳، سران کشور تصمیم گرفتند تا وزارت امور خارجه را مسئول مذاکره قرار دهند. اما نهایتاً با نظر وزارت خارجه، مسئولیت پرونده از مهر ۱۳۸۲ به شورای عالی امنیت ملی سپرده شد؛ چرا که با توجه به وقوع جنگ افغانستان و جنگ عراق ابعاد مسئله گسترده و در چارچوب امنیت ملی ارزیابی شد. بدین ترتیب دبیر شورای عالی امنیت ملی، حسن روحانی مسئول پرونده شد و با معرفی بهترین دیپلمات‌های وزارت خارجه توسط علی‌اکبر ولایتی و کمال خرازی به وی، نخستین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای شکل گرفت. روحانی تاکتیک اعتمادسازی، تنش‌زدایی و مذاکره با ۳ کشور اروپایی را برگزید و به نوعی تعامل بازدارنده با آنان پرداخت که حاصل آن مذاکرات، صدور بیانیه سعدآباد و امضای توافق‌نامه بروکسل و پاریس به همراه تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی از سوی ایران بود. در آغاز کار و در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۲ طرف مقابل مذاکره‌کنندگان ایران، وزیران خارجه سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان (E3) بودند. در مقاطعی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز در مذاکرات حاضر بود و مذاکرات مستقیمی نیز با صدر اعظم آلمان و رئیس‌جمهور فرانسه انجام شد.

ب) بیانیه سعدآباد

در ۲۹ مهر ۱۳۸۲ برابر با ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳، در نشست مشترک وزاری خارجه سه کشور اروپایی و هیئت ایرانی که در تهران، سعدآباد، برگزار شد، بیانیه‌ای اعلام گردید که به موجب آن، ایران برای بازدید بازرسان آژانس انرژی اتمی از تأسیسات اتمی خود اعلام همکاری کرد و گازدهی در سانتریفیوژهای نظرن را در راستای راستی‌آزمایی و اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران، بصورت داوطلبانه و برای مدت محدود تعلیق کرد. انگلیس و فرانسه نیز متعهد شدند تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری کنند. در این مذاکرات ریاست هیئت ایرانی را حسن روحانی و کمال خرازی بر عهده داشتند. ریاست هیئت اروپایی را هم دومینیک دو ویلپن، جک استراو و یوشکا فیشر وزیران خارجه سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان بر عهده داشتند.

در این بیانیه، تهران می‌پذیرد که به صورت شفاف به همه سوالات آژانس پاسخ دهد، هرگونه قصور خود را اصلاح و پروتکل الحاقی را به صورت داوطلبانه امضا کند. در ادامه نشست، ایران به جلسه خصوصی با البرادعی اشاره می‌کند و تعلیق را تنها تعلیق گازدهی در نطنز معنا می‌کند. در نهایت هم بر سر این توافق می‌شود که مفهوم تعلیق بر مبنای تعریفی که آژانس قرار است تعیین کند، بپذیرند. البته ایران در این مذاکرات واژه «داوطلبانه» را در مفاد بیانیه جای می‌دهد

تا در صورت عدم تعهد طرف غربی، تهران راه بازگشت داشته باشد. طرف غربی هم می‌پذیرد که پرونده هسته‌ای ایران را در آژانس حل و فصل کند و اگر روزی آمریکا آن را یک جانبه به شورای امنیت برد، از حق وتو استفاده کند. علاوه بر این اروپایی‌ها متعهد می‌شدند که در زمینه فناوری با ایران همکاری کنند.

ج) توافقنامه بروکسل

چهار ماه پس از مذاکرات تهران این توافق‌نامه در ۴ اسفند ماه ۱۳۸۲ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ به امضا رسید و ایران متعهد شد ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای مورد نیاز برای غنی‌سازی را متوقف کند و اقدام به ساخت قطعات یدکی سانتریفیوژهای موجود در آن زمان را نیز تعلیق کند. در این مذاکرات ریاست هیئت ایرانی بر عهده حسن روحانی و ریاست هیئت اروپایی بر عهده خاویر سولانا بود. در دوره نخست طرفین به توافقی کلی مبنی بر اینکه ایران تعلیق را در چارچوبی که آژانس تعریف کرده، می‌پذیرد و آنها هم به تعبیر حسن روحانی «پرونده هسته‌ای ایران را در ژوئن ۲۰۰۴ از دستور اضطراری شورای حکام خارج می‌کنند.» اما واقعیت این است که در این موافقت‌نامه تعهدات ایران به صورت بسیار شفاف و اجرایی و تعهدات سه کشور اروپایی در قالب موارد کلی و غیراجرایی مورد اشاره قرار می‌گیرد. تهران تعهد می‌کند که «اظهارنامه‌ها را بر طبق پروتکل الحاقی و راستی آزمایی آنها توسط آژانس ارائه دهد. تعلیق مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها، تعلیق ساخت داخلی قطعات سانتریفیوژ، اعمال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی نسبت به تمامی تاسیسات موجود در ایران.» اروپا نیز متعهد می‌شود که «برای شناسایی تلاش‌های ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام به منظور عادی کردن اجرای پادمان‌ها و پروتکل الحاقی در ایران به صورت فعال کار کند. در مقایسه با تعهدات وسیع تهران، عادی کردن موضوع هسته‌ای ایران در آژانس می‌توانست یکی از تعهدات طرف اروپایی باشد اما در این زمینه ۳ کشور حتی تعهد قطعی ندادند. عدم تعهد طرف اروپایی به تعهداتش موجب می‌شود ایران به نشانه اعتراض، پس از صدور قطعنامه سوم در ژوئن ۲۰۰۴، اعلام کند که دیگر به تعهداتش عمل نمی‌کند. با این وجود غلامرضا آقازاده «۲۰ فروردین ۸۳» اعلام می‌کند ایران به صورت داوطلبانه تولید سانتریفیوژ را تعلیق می‌کند. با این وجود باز هم طرف مقابل فشار بر ایران را جایگزین عمل به تعهدات خود می‌کند و نتیجه این اقدامات این می‌شود که نهادهای عالی‌رتبه درون ایران خواستار واکنش سریع به خلف وعده طرف مقابل می‌شوند. ایران هم مردادماه ۸۳ تولید سانتریفیوژ در نظنر را دوباره آغاز می‌کند و این اقدام باعث می‌شود شورای حکام در قطعنامه‌ای ایران را تهدید به ارجاع پرونده‌اش به شورای امنیت سازمان ملل کند. آنان برای وادار کردن ایران به تعلیق همه فعالیت‌های غنی‌سازی خود، یک ضرب‌الاجل ۳ ماهه قرار می‌دهند. بر اساس این ضرب‌الاجل در صورتی که ایران تا تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴ (۵ آذر ۸۳)، فعالیت‌های تاسیسات نظنر را تعلیق نکند، پرونده به شورای امنیت ارجاع می‌شود. همین مساله زمینه‌ساز مذاکرات بعدی می‌شود.

د) توافقنامه پاریس

این توافق‌نامه در ۲۴ آبان ۱۳۸۳ برابر با ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ در پاریس بین ایران و سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان به امضا رسید و به موجب آن ایران به عنوان اقدامی داوطلبانه در جهت اعتمادسازی و نه به عنوان یک تعهد قانونی پذیرفت که کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری مانند ساخت، تولید، نصب، آزمایش، سرهم‌بندی و راه‌اندازی سانتریفیوژهای گازی، و فعالیت‌های مربوط به جداسازی پلوتونیم را متوقف کند و در عوض اتحادیه اروپا سعی در پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی نماید. نماینده مذاکره‌کننده ایران سیروس ناصری به همراه سفیران وقت ایران در پاریس، لندن و برلین بودند.

۲- عوامل سردی روابط دو جانبه

در این مقطع دستگیری هادی سلیمانپور، سفیر پیشین ایران در آرژانتین، موجب حساسیت در روابط فی‌مابین ایران و انگلیس شد. هادی سلیمانپور به ظن دست داشتن در انفجار سال ۱۹۹۴ مرکز یهودیان آرژانتین در بوئنوس آیرس، روز پنجشنبه در شهر دورهام واقع در شمال شرق انگلستان به دست پلیس بریتانیا بازداشت شد. در این خصوص تهران خواستار آزادی فوری سلیمانپور و عذرخواهی دولت انگلیس شد. در نهایت دستگاه قضایی و دولت انگلیس تصمیم به لغو حکم بازداشت وی گرفتند. در پی بروز حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ (۲۱ شهریور ۱۳۸۰) و همراهی بی‌قید و شرط انگلیس از سیاست‌های جنگی واشنگتن در حمله نظامی به کشور افغانستان و بعدها به کشور عراق، موجب بروز دور تازه‌ای از تنش‌ها در روابط ایران و انگلیس گردید.

یکی دیگر از مسائلی که همچنان بین ایران و کشورهای اروپایی به ویژه انگلیس بر سر آن مناقشه وجود داشت، جریان پرونده هسته‌ای ایران بود. در واقع شروع بحران هسته‌ای ایران باز می‌گردد به مرداد سال ۱۳۸۱، آن زمان این بحث مطرح گردید که ایران در سه مرکز مخفی مشغول ساخت سلاح هسته‌ای است. در مقابل ایران هم اعلام کرد از آقای البرادعی دعوت کرده تا به ایران بیاید و از تاسیسات هسته‌ای ایران بازدید کند. البرادعی به ایران آمد و پس از سفر او یک مدتی بحث‌ها در این باره کاهش پیدا کرد. دلیلش هم این بود که امریکا در آن مقطع خودش را برای حمله به عراق آماده می‌کرد، که این حمله در اسفند ماه انجام شد. بنابراین در اوایل سال ۱۳۸۲ مسایل هسته‌ای ایران بدون جنجال در محافل غربی مطرح بود. اما اولین بار که موضوع ابعاد بین‌المللی وسیعی پیدا کرد در ژوئن ۲۰۰۳ یا خرداد ۱۳۸۲ بود. در این تاریخ پرونده ایران برای اولین بار در شورای حکام انرژی اتمی مطرح شد. دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اولین بار گزارش درباره ایران به شورای حکام داد، وی در اجلاسی در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ در سخنرانی خود گفت: "ایران نتوانسته است گزارش دقیقی از مواد هسته‌ای و فعالیت‌هایش را ارائه دهد، ولی مقامات ایران گام‌های اصلاح‌کننده‌ای برداشته‌اند" و همین زمانها بود که فشارها بر ایران برای امضای پروتکل الحاقی افزایش یافت. چنانکه البرادعی به صورت جدی خواهان این مساله بود و سران هشت کشور صنعتی در اجلاس اوپان فرانسه در ژوئن ۲۰۰۳ (۱۱ خرداد ۱۳۸۲) اعلام کردند که به طور جدی نگران فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند و روسیه نیز به آنها اطمینان داد تا وقتی ایران پروتکل را امضا نکند از تحویل تجهیزات و امکانات هسته‌ای به ایران خودداری خواهد کرد. بعد از صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران، ارسال نامه مشترک از سوی آلمان، فرانسه و انگلیس برای ایران در خصوص همکاری بیشتر در زمینه تکنولوژی هسته‌ای بازتاب گسترده‌ای داشت. در واقع بعد از اعلام ایران مبنی بر اینکه در قبال امضای پروتکل الحاقی خواهان امتیازاتی بود نامه مشترک از سوی آلمان، فرانسه و انگلیس برای ایران در خصوص همکاری‌های بیشتر در زمینه تکنولوژی هسته‌ای ارسال شد که بازتاب بسیار گسترده‌ای داشت و در واقع این نامه پاسخی به درخواست‌های ایران برای کسب امتیازاتی در قبال ملحق شدن به

پروتکل ۹۳+۲ بود اما مسائل مطرح شده در این نامه بسیار کلی و مبهم بود و مشخص نبود که ایران در صورت پذیرش چه نوع همکاریهایی را دریافت خواهد کرد. ارسال این نامه با مخالفت آمریکا نیز همراه بود، زیرا دادن هرگونه امتیاز به ایران در قبال پذیرش پروتکل را تن دادن به مصالحه می دانست البته جواب نامه نیز در آخر ماه می همان سال ارسال گردید، اما بسیار از کارشناسان داخلی و خارجی سهل انگاری ایران در پاسخ دادن به نامه فوق الذکر را یکی از علل اصلی صدور قطع نامه شدید اللحن علیه ایران می دانستند.

۳- دولت اصولگرا

دولت آقای احمدی نژاد با رویکرد احیای ارزش ها و اصول اسلامی و انقلابی در عرصه های مختلف کشور به میدان آمد و همین رویکرد و تفکر، بر تمامی عملکرد دولت حاکم بوده و تأثیرات قابل توجهی را بر کشور به همراه داشته است. همواره از نظم حاکم بر نظام بین الملل انتقاد کرده و معتقد است که این نظم باید با اصولی مانند عدالت و مهرورزی جهانی جایگزین شود. احمدی نژاد خواهان تغییر مناسبات و ساختار موجود بر روابط بین الملل است و در مقابل، همواره «عدالت گستری، مهرورزی و تعالی جوامع انسانی» را اصول کارآمد و حلال چالش های روابط بین الملل می داند و خواهان آن است که همه ارکان سیاست خارجی و مدل دیپلماسی این اصول طراحی و اجرا شود. با روی کار آمدن دولت اصولگرا چرخش های تأمل برانگیز و گوناگونی در سیاست خارجی بوجود آمد. دیدگاه های مختلفی در مورد ماهیت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران موسوم به اصول گرایی وجود دارد. دیدگاه نخست، سیاست خارجی دولت نهم و دهم را تداوم و استمرار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در گذشته می داند؛ به گونه ای که تغییر ماهوی و اصولی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره نسبت به دوره های پیشین رخ نداده است. از این رو، سیاست خارجی ایران در این دوره، ادامه و استمرار گذشته در شرایط متحول و متغیر نوین جهانی است. دومین دیدگاه، به عکس، قائل به تغییر و تحول بنیادی و اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. به طوری که سیاست خارجی دولت اصول گرا یک گسست در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید. رویکرد سوم، در میانه دو رهیافت گذشته قرار داشته و به تداوم در عین تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران حاکمیت اصول گرایان باور دارد؛ یعنی تداوم در مبانی، اصول و راهبرد و تغییر در رویه و رفتار سیاست خارجی. عملکرد سیاست خارجی اصول گرایان، دیدگاه سوم را تأیید و تقویت می کند. چون سیاست خارجی دولت نهم و دهم گرچه از سیاست خارجی دولت های قبل از خود متمایز می شود، ولی این تغییرات را نمی توان یک گسست بنیادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد. نویسندگان بر این باورند که در دوران اصول گرایی از یک سو، اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دستخوش تغییر و تحولات ماهوی نشده است، اما از سوی دیگر، رویه ها و رفتارهای آن متحول و متفاوت شده است. در ارتباط با روابط فی مابین ایران و انگلیس در دوران دولت اصولگرا، ما بیشتر شاهد تیرگی روابط بوده ایم تا بهبود روابط.

۳-۱- دلایل تیرگی روابط از سوی انگلیس

الف) همراهی انگلیس با آمریکا در ارجاع دادن پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت: در مهرماه ۱۳۸۴ آمریکا و چند کشور اروپایی؛ آلمان، فرانسه و انگلیس اعلام احراز سیاسی پایبند نبودن ایران به تعهدات خود را نمودند، در حالیکه برطبق ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، احراز پایبند نبودن یک کشور عضو بر عهده بازرسان آژانس گذاشته شده که باید آن را به مدیرکل گزارش نمایند. این در حالی است که در هیچ یک از گزارش های آژانس به پایبند نبودن ایران حتی اشاره ای نیز نشده است. در دی ماه ۸۴ بیانیه برلین توسط وزرای خارجه سه کشور اروپایی صادر و در آن اعلام شد که زمان برای درگیر شدن شورای امنیت در موضوع هسته ای ایران فرا رسیده و خواستار برگزاری اجلاس اضطراری شورای حکام شدند. در بهمن ماه ۸۴ این اجلاس تشکیل و نهمین قطعنامه شورای حکام مبنی بر ارسال پرونده ایران به شورای امنیت تصویب گردید. دو ماه بعد بیانیه رئیس شورای امنیت مبنی بر لزوم تعلیق فعالیت های هسته ای ایران و ضرورت ادامه کار آژانس برای روشن کردن همه موضوعات باقیمانده صادر گردید.

ب) تصویب قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران و اعمال تحریم ها و محدودیت های مالی: در مردادماه ۱۳۸۵ قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت با هدف اجباری کردن تعلیق تحت ماده ۴۰ فصل ۷ منشور ملل متحد صادر گردید. در دی ماه ۸۵ قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت ذیل ماده ۴۱ فصل ۷ منشور برای وضع برخی تحریم های نظامی و اقتصادی و ایجاد محدودیت تردد فرماندهان سپاه صادر شد. در فروردین ۸۶ قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه فعالیت های هسته ای ایران ذیل ماده ۴۱ فصل ۷ منشور با اشاره به منطقه عاری از سلاح های هسته ای (خاورمیانه) تصویب گردید. در تیرماه ۸۶ ایران و آژانس در وین در خصوص تهیه چارچوب (مدالیت) حل و فصل موضوعات باقی مانده تفاهم کردند و در آبان ماه بسته شدن دو موضوع سانتریفوزهای P1 و P2 و سند اورانیوم فلزی توسط مدیرکل آژانس اعلام گردید. در اسفندماه ۸۶ مدیرکل آژانس طی گزارشی تمامی موضوعات باقیمانده را مختومه اعلام نمود، با این وجود ده روز بعد شورای امنیت قطعنامه ۱۸۰۳ را تصویب کرد. در مهرماه ۱۳۸۷ قطعنامه ۱۸۳۵ حاوی تحریم های بیشتر علیه ایران توسط شورای امنیت تصویب گردید در حالیکه در طی ماه های گذشته مذاکرات شش کشور با ایران در جریان بود. در خردادماه ۱۳۸۹ قطعنامه جدید تحریمی ۱۹۲۹ که بیشتر به سندی جهت محکومیت ایران شباهت داشت توسط شورای امنیت تصویب گردید. در خردادماه ۱۳۹۰ قطعنامه ۱۹۸۴ شورای امنیت مبنی بر ادامه ماموریت پانل کارشناسان کمیته تحریم سازمان ملل تصویب گردید که در حال حاضر آخرین قطعنامه تصویبی شورای امنیت می باشد. لازم به ذکر است که در خلال سال های ۸۹ و ۹۰ تحریم های جداگانه ای توسط دولت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران وضع شده در حالیکه در طول این سال ها مذاکرات مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با نمایندگان ایران در جریان بوده است. در جریان اعمال تحریم های اقتصادی و نفتی غرب علیه ایران در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۹۰ وزیر دارایی بریتانیا اعلام کرد: به دلیل اینکه بانک مرکزی ایران در خدمت عملیات بانکی برای گسترش فعالیت های هسته ای بوده است، دولت بریتانیا آن را تحریم می کند و کلیه مبادلات بانکی را با ایران تعطیل می نماید. در همین راستا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶ آذر ۱۳۹۰ با رأی بالا دستگاه دیپلماسی ایران را موظف کردند ظرف دو هفته روابط سیاسی با دولت بریتانیا را به سطح کاردار و روابط بازرگانی با این کشور را به حداقل ممکن برساند. این مصوبه در صحن مجلس مخالفانی داشت اما مخالفان آن خواستار قطع کامل روابط با بریتانیا بودند. پس از تصویب دو فوریت طرح کاهش روابط ایران با بریتانیا در جلسه قبلی

مجلس، نمایندگان با ۱۷۹ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۶ رأی گرفته شده، به کلیات این طرح رأی دادند و در ادامه نیز پس از بحث و تبادل نظر درباره پیشنهادهای مختلف از جمله در مورد قطع کامل روابط با این کشور، سرانجام بدون این که پیشنهادی به تصویب برسد ماده واحده و جزئیات این طرح نیز با ۱۷۱ رأی موافق، سه رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع، از مجموع ۱۹۶ به تصویب رسید. در ماده واحده این طرح وزارت امور خارجه موظف شده ظرف دو هفته روابط سیاسی را با دولت بریتانیا به سطح کاردار تنزل دهد و روابط اقتصادی و بازرگانی را نیز به حداقل ممکن برساند. (ج) بازداشت نصرالله تاجیک: سفیر پیشین ایران در اردن ۴ آبان ۱۳۸۵ در شهر دورهام انگلیس به اتهام خرید ۱۰ عدد دوربین دید در شب بازداشت شد. درست دو روز پس از بازداشت بود که دستگاه قضایی انگلستان جلسه محاکمه تاجیک را برگزار کرد و چون بر اساس ادعای آنان دوربین‌های دید در شب جزو اقلام تحریمی ایران بوده، این دادگاه حکم به انتقال تاجیک به ایالات متحده آمریکا می‌دهد. دادگاه انگلیس در آن زمان اعلام کرد که بازداشت تاجیک بنا به درخواست دولت آمریکا بوده و این شهروند ایرانی می‌بایست بر اساس موافقتنامه استرداد مجرمین بین لندن و واشنگتن به این کشور تحویل داده شود. درست پس از اعلام این حکم بود که تلاش‌های دستگاه دیپلماسی برای جلوگیری از این اتفاق آغاز شد و پس از پیگیری‌های فراوان توانست دادگاه انگلیسی را قانع کند که در ازای وثیقه ۵۰۰ هزار پوندی، زمینه آزادی موقت و همراه با محدودیت او را فراهم کند. تاجیک درست از آن زمان تا روز هفتم آذرماه ۱۳۹۱ به نوعی در حبس خانگی و آزادی محدود بود.

د) خروج نام گروه مجاهدین از فهرست تروریستی وزارت کشور: بدنبال رای یک دادگاه بریتانیایی، قانونگذاران این کشور گرفتند تا نام سازمان مجاهدین خلق را از فهرست سازمان‌های تروریستی حذف کنند. این تصمیم در پی رای دادگاهی در بریتانیا مبنی بر خروج نام این گروه از لیست گروه‌های تروریستی اتخاذ شده است. این طرح بدون رای گیری از تصویب نمایندگان پارلمان گذشت و بر اساس آن نام سازمان مجاهدین خلق تا از لیست سیاه خارج خواهد شد. این سازمان از سال ۲۰۰۱ در بریتانیا به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده بود. پس از آن که دادگاه استیناف بریتانیا اعلام کرد سازمان مجاهدین خلق از لیست سازمان‌های تروریستی خارج خواهد شد. یک هفته پس از اینکه اتحادیه اروپا نام سازمان مجاهدین خلق ایران را از لیست سیاه سازمان‌های تروریستی حذف کرد، مقامات جمهوری اسلامی ایران شدیداً واکنش نشان دادند. بدین ترتیب سفرهای کشورهای عضو اتحادیه اروپا در تهران به وزارت امور خارجه احضار شدند و معاون اروپایی این وزارتخانه نسبت به موضع‌گیری اتحادیه اروپا در مورد تروریسم از آنان انتقاد کرد.

۳-۲- دلایل تیرگی روابط از جانب ایران

الف) پیگیری مسائلی چون هولوکاست: احمدی نژاد در زمینه هولوکاست دو سوال مهم مطرح کرد: درباره واقعه هولوکاست تحقیق و بررسی انجام شود و چرا فلسطینی‌ها باید بتوان واقعه ای را پرداخت کنند که هیچ تأثیری در آن نداشته اند؟ در نشست فوق العاده سازمان کنفرانس اسلامی در مکه، احمدی نژاد در مصاحبه با شبکه عربی العالم درباره مسئله فلسطین ابتکار تازه ای ارائه کرد و چنین گفت: «آیا قتل یهودیان در جنگ دوم جهانی دلیل صحیح است که رژیم اشغال گر قدس مورد حمایت قرار گیرد و صدها فیلم و کتاب در این خصوص ساخته شود و هر روزه احساسات ملت‌ها درباره این یهودیان تحریک شود و حمایت از تاسیس حکومتی اشغال گر در اراضی فلسطین صورت گیرد. ما معتقدیم اگر شما چنین اقدامی انجام داده اید (غربی‌ها) بیایند در اروپا و آلمان برخی از ایالت‌هایشان را به صهیونیست‌ها بدهید تا دولتشان را در آنجا تشکیل دهند چرا که ظلم در اروپا علیه یهودیان صورت گرفته اما تاوان آن را ملت فلسطین باید پس بدهد.» گفتنی است در بسیاری از کشورهای اروپایی انکار هولوکاست جرم تلقی می‌شود. کشورهای اتریش، بلژیک، جمهوری چک، فرانسه، آلمان، اسرائیل، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی و سوئیس دارای قوانینی علیه انکارکنندگان هولوکاست هستند. یکی از افرادی که در سال ۲۰۰۶ به جرم انکار هولوکاست به سه سال زندان محکوم شد، دیوید اروینگ، مورخ بریتانیایی بود. روزی گارودی محقق فرانسوی مسلمان نیز به علت انکار هولوکاست زندانی شد.

۲۷ ژانویه روز جهانی یادبود هولوکاست خوانده می‌شود و صهیونیست‌ها در این روز جهانیان را نسبت به ظلمی که به ادعای آنها در گذشته بر یهودیان روا داشته شده سرزنش می‌کنند. اما محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور ایران بارها این موضوع را زیر سوال برد. احمدی نژاد در سال ۹۰ در سخنرانی روز قدس تأکید کرد: «همه مقدمات تاسیس این رژیم مبتنی بر دروغ و فریبکاری بوده و یکی از این دروغ‌های بزرگ افسانه هولوکاست است.»

ب) طرح مسئله غیرقانونی بودن مالکیت انگلیس بر باغ قلعهک: این منطقه از لحاظ وقایع سیاسی دوران قاجار اهمیت بسیاری دارد به گونه ای که بر اساس شواهد تاریخی سفارت کشورهای روسیه و انگلیس به صورت طولانی در این منطقه حضوری ارباب گونه داشتند و شاهان قاجار امتیازات متعددی برای آنها قائل می‌شدند اما در کنار محله زرگنده، باغ قلعهک در تاریخ اسرار بسیاری را از وقایع مشروطه تا سلطنت رضاخانی در خود جای داده است. اکنون از این باغ که دیوارهایی بلند و سر به فلک کشیده دارد، به وسیله پست‌های نگهبانی حفاظت می‌شود. تا جایی که مردم عادی گمان می‌کنند که این مکان عظیم و قدیمی، سفارت انگلیس است؛ غافل از آن که سفارت انگلیس در خیابان فردوسی تهران است، نه در قلعهک. در این باره سیدحسین نقوی حسینی رئیس کمیته مطالبات ملی مجلس هشتم گفته است به‌زودی برای ابطال اسناد جعلی مالکیت انگلیس بر باغ قلعهک اقدام حقوقی و قضایی انجام می‌دهیم. پیرو همین موضوع حسینی اعلام کرده که اسناد مراحل اجاره دادن باغ به دولت انگلیس یا سندی که نشان می‌دهد باغ قلعهک به‌عنوان تفرجگاه در اختیار دولت بریتانیا قرار داده شده است در اختیار ماست و براساس این اسناد مالکیت ادعای دولت انگلیس بر باغ قلعهک را باطل خواهیم کرد. نقوی حسینی اظهار داشته سندی که آقای حائری به آن اشاره کرده است سند اولیه باغ قلعهک است اما اسناد اجاره این باغ از سوی ایران به انگلیس و اسناد دیگری در کمیسیون امنیت ملی بررسی و سندیت آنها مشخص شده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: انگلیس سندی را نشان داده و براساس آن سند، ادعای مالکیت بر باغ قلعهک را مطرح کرده است اما نتایج تلاش‌هایی که سردار محمدباقرزاده رئیس دفتر حفظ و آثار ارزش‌های دفاع مقدس و برخی دیگر از مسوولان در این زمینه انجام داده‌اند در جهت ابطال این سند بوده است. مقاماتی که این موضوع را پیگیری می‌کنند می‌گویند انگلیس بیش از شش دهه پیش از طریق تباری با مأموران

وقت ثبت اسناد، باغ قلهک اجاره‌ای را به مالکیت خود درآورده‌است. به گفته رئیس کمیته مطالبات عمومی کمیسیون امنیت ملی انتقال این مالکیت مراحل قانونی خود را طی نکرده است.

ج) اشغال سفارت انگلیس توسط عده‌ای معترض: در پی اعتراضات سراسری مردم ایران نسبت به نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آیت‌الله علی خامنه‌ای در مراسم نماز جمعه تهران، کشور انگلیس را «خبیث‌ترین دشمن» کشور ایران خواند. یک روز پس از سخنان علی خامنه‌ای، وزارت امور خارجه ایران دو دیپلمات ارشد سفارت بریتانیا در تهران را اخراج کرد، در واکنش به این اقدام بریتانیا نیز در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۰۹ میلادی، دو دیپلمات شاغل در سفارت ایران در لندن را از کشورش اخراج کرد. در تاریخ ۷ آذر ۱۳۹۰ طرح کاهش روابط با بریتانیا توسط مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تصویب شد. براساس این طرح، حکومت ایران موظف به کاهش روابط با بریتانیا تا سطح کاردار شد.

در مورخه ۸ آذر ۱۳۹۰ گروهی از معترضین ایرانی که در مقابل سفارت انگلیس در خیابان فردوسی تجمع کرده بودند، وارد ساختمان سفات شده و پرچم کشور انگلیس را پایین کشیدند، که بعضی از این معترضین برخی مدارک را از درون ساختمان سفارتخانه به بیرون پرت کردند. پیرو حادثه روی داده، بعد از مهلت ۴۸ ساعته بریتانیا به دیپلمات‌های ایران برای ترک خاک این کشور، تمامی کارکنان سفارتخانه ایران در لندن عازم ایران شدند. بعد از این حوادث، ایران کشور عمان را حافظ منافع خود در بریتانیا معرفی می‌کند و در مقابل بریتانیا نیز سوئد را حافظ منافع این کشور در ایران معرفی می‌کند. در ارتباط با اشغال سفارتخانه انگلیس، احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی در این مورد در نماز جمعه دانشگاه تهران بیاناتی داشته که در نوبه خود قابل توجه است. وی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران گفته‌اند: حضور برخی در سفارت انگلستان دامی بود که آن افراد توسط خود انگلیسی‌ها در آن قرار گرفتند. ورودی سفارت انگلستان دو در ضد گلوله و انفجار دارد که با کنترل باز و بسته می‌شود و اینکه کسی بخواهد آن را باز کند امکان پذیر نیست، مگر اینکه خود افراد سفارت بخواهند آن در باز شود"

د) دستگیری ۱۵ ملوان یا کماندوی انگلیس در آبهای خلیج فارس: در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس نقشه‌ها و اسناد و همچنین اعترافات دستگیرشدگان، ورود غیرقانونی این افراد به آبهای متعلق به ایران را نشان داده بود، دولت انگلیسی تاکید داشت که این عده در آبهای عراق بازداشت شده‌اند. به بهانه اولین سالگرد وقوع این حادثه مروری گذرا بر رویدادها و تحلیل‌های این واقعه می‌اندازیم. ابتدا وزارت دفاع انگلیس با انتشار بیانیه‌ای ضمن تایید خبر دستگیری این ملوانان توسط نیروهای ایران خواستار بازگشت سریع و امن آنها و تجهیزاتشان شد. در این بیانیه که در پایگاه اینترنتی وزارت دفاع منتشر شد، آمده بود: ما در حال پیگیری سریع این حادثه با مقامهای ایرانی در بالاترین سطح هستیم و دولت انگلیس خواستار بازگشت سریع و امن افراد ما و تجهیزات آنان است. دومین واکنش دولت کارگری تونی بلر به این حادثه فراخوانی سفیر ایران در لندن به وزارت خارجه بریتانیا برای ادای توضیحات درباره این حادثه بود احزاب مخالف لیبرال دمکرات و محافظه کار نیز با حمایت از موضع گیری صریح در این باره خواهان آزادی سریع و بی قید و شرط این ملوانان دستگیر شده توسط ایران شدند. منزیس کمپبل رهبر وقت حزب لیبرال دمکرات انگلیس گزارشهای مربوط به دستگیری ملوانان انگلیسی توسط نیروهای ایرانی را به شدت نگران کننده توصیف کرده و خواستار آزادی سریع این ملوانان شد. ویلیام هیگ سخنگوی امور خارجی حزب محافظه کار انگلیس نیز مدعی شد: زمان افزایش حداکثری فشار صلح آمیز بر ایران فرا رسیده است. وی انگیزه احتمالی ایران از دستگیری ملوانان انگلیسی را از نگاه خود این گونه توصیف کرد: شاید این رخداد محصول سیاست داخلی باشد که توسط سپاه انقلابی به اجرا گذاشته شده است و شاید هم اقدامی تلافی جویانه به دستگیری جاسوسان ایرانی در عراق بوده باشد. برخی رسانه‌های دست راستی در بریتانیا نیز دستگیری این نیروها توسط ایران را یک حرکت تاکتیکی در رابطه با افزایش فشارها بر تهران در چالش پرونده هسته‌ای توصیف کردند. محافل دست راستی بر این باور بودند که دستگیری نظامیان بریتانیایی توسط ایران یک اقدام تاکتیکی پیشینه دار توسط این کشور است زیرا هر گاه دولت تهران خود را در انزوا و تحت فشار می‌بیند، ترفندی را به کار می‌گیرد تا توجه جهانی را از موضوعی که برای آن مشکل ساز شده است، معطوف کند. برخی دیگر از رسانه‌های بریتانیایی دستگیری ملوانان در آستانه رای گیری شورای امنیت سازمان ملل برای گسترش تحریمها بر ضد ایران به علت خودداری تهران از توقف غنی سازی اورانیوم را چیزی شبیه به بحران گروگانگیری دانستند. در این میان، دستگیری ۱۵ عضو نیروی دریایی بریتانیا در آب‌های ایران موجب افزایش سریع بهای بین المللی نفت خام شد. دولت بریتانیا در واکنش به اعلام ایران درباره دستگیری این عده در آبهای مرزی خود، ابتدا از ابراز نظر صریح درباره موضوع خودداری کرد و موضوع مساله‌ای فنی و علمی توصیف کرد، ولی به مرور با تغییر موضع تدریجی خود اصرار کرد که این ملوانان در داخل آبهای عراق به دام افتاده‌اند.

نتیجه‌گیری

به تعبیر سرگه بارسقیان، نویسنده و روزنامه‌نگار جوان مطبوعات، در روابط ایران و بریتانیا یک قاعده عجیب حاکم است. گاهی آنچنان می‌شود روی نمی‌دهد و بعضاً آنگونه که انتظار می‌رود همه چیز به هم نمی‌ریزد. اما آنچه بدیهی است سایه سنگین بی‌اعتمادی متأثر از پیشینه منفی و استعمارگرانه انگلیسی‌ها در ذهن مردم و مسئولان ایرانی و نیز تداوم برخی سیاست‌های نادرست از سوی مقامات لندن همچنان بر روابط دو کشور حاکم است. برای درک درست از تحولات سیاست خارجی بریتانیا توجه به دو عامل آتلانتیک‌ست‌گرایی یعنی گرایش سنتی به هم‌نژادان آنگلو ساکسون در آمریکا و نیز خاص‌گرایی مبتنی بر سنت‌ها و عرف‌های خاص جامعه انگلستان بسیار ضروری است. اما مروری بر ۳۰ سال روابط ایران و بریتانیا پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که علی‌رغم روابط نسبتاً مطلوب اقتصادی و اجتماعی، در عرصه سیاست و مناسبات دیپلماتیک پیشرفت چندانی حاصل نشده است. تاکنون هیچ یک از نخست‌وزیران بریتانیا به ایران مسافرت نکرده‌اند و در مقابل هیچ رئیس‌جمهور از ایران نیز به لندن مسافرت نکرده است که روابط دو کشور در سه دهه گذشته همواره از یک سطح پویا و متعالی در عرصه سیاسی به دور بوده است. به عنوان یک واقعیت در روابط تهران-لندن باید به این نکته توجه نمود که دولت‌های مختلف بریتانیا به ویژه دولت براون در عین گسترش روابط در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی از لحاظ سیاسی علاقه‌مندی چندانی به گسترش روابط نشان نمی‌دهد و در بهترین وضعیت می‌توان آن را نوعی مدارای سیاسی از جانب این کشور تعبیر و تفسیر نمود. غلبه بر این وضعیت، مستلزم توجه مستمر به مدیریت سیاسی روابط دوجانبه می‌باشد. عدم توجه به این امر، قطعاً بر دیگر ابعاد و عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی روابط دو کشور تأثیر مستقیم خواهد گذاشت. به موازات مدیریت سیاسی روابط، گام‌های تازه در جهت تبدیل مبادلات تجاری به همکاری‌های اقتصادی بلند مدت و روابط فرهنگی

می‌تواند برداشته شود. فضا سازی جدید زمانی با موفقیت قرین خواهد بود که واقع‌بینی جایگزین خوش‌بینی و بدبینی احساسات گردد و اولویت‌های مشخص و تعریف شده‌ای در عرصه‌های مختلف روابط در دستور کار قرار گیرد. تعریف مجدد چارچوب کلی روابط اقتصادی و همکاری‌های صنعتی جهت گذار از روابط تجاری صرف، ارتقای روابط و همکاری‌های فرهنگی فی‌مابین با توجه به جایگاه فرهنگی و تمدن دو کشور و اینکه انگلیس می‌تواند یکی از مخاطبین اصلی گفتگوهای فرهنگی در اروپا و جهان باشد، بهره‌گیری از جایگاه این کشور برای پیشبرد اهداف سیاست اروپایی ایران از رهگذر تبدیل چالش‌های موجود به فرصت‌های تازه، از جمله جمله اولویت‌هایی هستند که می‌توانند به موازات پیشرفت فرآیند عمومی مناسبات دوجانبه مورد توجه خاص و پیگیری جدی سیاست‌گذاری ایرانی قرار گیرند.

(منابع در دفتر نشریه موجود میباشد)

